

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

سید هاشم سدید
۰۹ جون ۲۰۱۷

عدالت هنوز در سرزمین من و تو از مادر زاده نشده است!

بعد از حادثه خونبار چهارراهی زنبق در روز دهم ماه جوزا، که منجر به کشته شدن صد تا صد و پنجاه تن گردید و به تعداد سه تا چهار صد نفر زخمی داشت، رئیس جمهور، که مانند شاه شجاع ها و عبدالرحمان ها و کارمل ها با توافق و حمایت بیرونی بر اریکه قدرت در کشور تکیه زد، با یک حرکت نمایشی - که غالباً به هدف آرام ساختن مردم خشمگین صورت می گیرد - و ظاهراً انتقام جویانه، فرمان اعدام یازده تن از تروریستان در بند را، که در این حادثه مستقیماً - شاید به گونه ای غیر مستقیم هم - هیچ نقشی نداشتند، امضاء نمود.

نظر به قوانین موجود کشور این چنین انسان ها، چون هم محل امنیت کشور هستند، هم به پیروی از اهداف شوم مودی ترین دشمنان کشور مرتکب سنگین ترین خیانت ها و هولناک ترین جنایت ها در کشور شده اند، تا جایی که حتا تمامیت ارضی و حاکمیت ملی کشور را نیز به خطر مواجه ساخته اند، البته در صورت تثبیت جرم، باید اعدام شوند.

من شخصاً این کار را، در صورتی که یک نظام مردمی و یک حکومت واقعاً ملی و جدی و جوابگو و پایند به قانون می داشتیم و حکومت واقعاً مصمم می بود برای حفظ یا برای برگرداندن امنیت در کشور و قطع دستان دراز و خون آلود بدخواهان کینه توز و سیه دل ما به این کار توسل بجوید، با قید احتیاط اعدام این گونه خائنین و جنایت کاران را، هر چند در اصول مخالف کشت و کشتار و اعدام هستم، تأیید می کنم، چون بیشتر به فکر امنیت و به فکر خاک و ملت و استقلال سیاسی، امری که تحقق تمام امور ضروری دیگر به نفع مردم و کشور بدان بستگی دارد، و داشتن روابط آزاد، برابر و مستقیم با تمام کشورهای جهان و تولید علم و عالم و رشد معرفت و دانش و رسیدن به تمدن انسانی و فرهنگ سالم هستم، آرمان هائی که با موجودیت حرکاتی مانند طالب و داعش و حقانی و سائر بنیادگرایان متعصب و کهنه پرست عمامه به سر و نکثائی پوش ضد علم و معرفت تحقق آن اصلاً میسر نیست.

چنین آرزویی، برخاسته از احساسی است، که من برای رسیدن به والاترین آرمان های انسانی و ملی دارم؛ خلاف کسانی که به نام رسیدن به آرمان های ملی و زیر پوشش ملی گرایی و وحدت کشور به جنگ و ترور و انداختن نفاق میان اقوام مختلف کشور در پرده و بیرون از پرده دست می زنند و به نام قانون و انسانیت و عدالت می خواهند با زبان و با قلم به دفاع از اشخاص و افراد و گروه هائی که دعوی افغانستان دارند، ولی سر شان در آخور پاکستان و روس و امریکا و هند و ایران و چین و عرب ها و لجن زار پر تعفن قبیله و قوم گرایی و... است، برخیزند.

یکی از همین کسان، مدافعین یازده تنی که فرمان اعدام شان را رئیس جمهور امضا نموده است، در دفاع از این جهال جنایت پیشه ای "از خود کش بیگانه پرست" می نویسند که این فرمان غیر عادلانه است، زیرا این یازده تن بر موقع حمله انتحاری چهارراهی زنبق در زندان بودند و اصلاً در این کار دست نداشته اند. (خلاصه و نقل به معنی از یک مقاله چند صفحه ئی).

چرا این هموطن ما چنین نظر یا حکمی را در دفاع از این جنایت کاران خائن به ملک و ملت مطرح می کنند؟ جواب آن حداقل دو چیز می تواند باشد:

یکی، ایشان به نوعی با این یازده نفر و با گروه یا گروه هائی که این یازده نفر با آن ها ارتباط دارد، پیوند دارند (پیوند عملی و مادی و یا پیوند سیاسی - روحی - روانی - اعتقادی - قومی - زبانی) که خود را بر اساس این گونه پیوند ها مکلف به دفاع - حتا به شکل غیرموجه و غیرمنطقی و با همه جنایات آشکار و غیرقابل بخشش و همدستی آن ها با پاکستان و ایران و سائر دشمنان ما برای تخریب کشور - از آن ها می دانند و هر واقعیت دیگر را، ولو هر قدر آشکار و رنج آور، نادیده می گیرند؛ یا، به عنوان علت دوم، نمی فهمند که چه می گویند و نمی توانند یک مطلب را از مطلب دیگر که از نظر سنجیت و بنیاد و اصل عین چیز است، بدرستی تفکیک کنند!

اگر فرمان رئیس جمهور برآستی و تنها در نتیجه حمله انتحاری چهارراهی زنبق برای اعدام این یازده تن صادر شده باشد و نه به دلیل جنایات و خیانت های قبلی آن ها، من هم به تأیید اعتراضات معترضین این تصمیم رئیس جمهور می گویم که این تصمیم یک تصمیم انتقام جویانه، احساساتی، غیرعادلانه، و درد یک جا را از جای دیگر کشیدن است؛ ولی اگر قرار باشد که محاسبه بر سر این باشد که این ها گناه کار بودند و هستند یا نه و این ها در حادثه خونین چهارراهی زنبق دست داشتند یا خیر و حکم ما بر همین مبنا متضمن برائت و محکومیت این یازده تن باشد، باید این را هم در نظر داشته باشیم که مردمان بی گناهی که در حملات انتحاری و جنگ کشته می شوند نیز کسانی نیستند که باید کشته شوند.

هر یک از ما، خواه موافق با اعدام این یازده تن و خواه مخالف اعدام آن ها، بخوبی می دانیم که هزار ها کودک، هزار ها زن، هزار ها پیر مرد، هزار ها معلول و بیمار و انسان ناتوان و بی تقصیری که در حمله های انتحاری یا باران های کور راکتی و یا جنگ های پارتیزانی و شبیخون های گروه های تروریستی - طالبی کشته می شوند، با تروریستان - طالبان در جنگ نیستند. هیچ کدام از این قربانیان حملات فاقد هدف مشخص تروریستان، این کوردلان بی وجدان، افراد، مسلح و عسکر و صاحب منصب، یا کسانی که به نیروه های نظامی ناتو و امریکا و سائر متولفین شان مربوط هستند، نیستند. کشتن این همه کودک و زن و مرد سالخورده و علیل و بیمار و غیرمسلح آیا عادلانه یا انسانی یا افغانی و یا قانونی است؟ نه؟! پس چرا این هموطنان ما در این مورد سکوت اختیار می کنند و در تمام عمر بیست و پنج ساله حاکمیت مجددی - ربانی - طالب - کرزی و احمدزی جنگ و حملات تروریستی و انتحاری و کشتار این همه انسان بی گناه را در کشور ما حداقل یکبار تقبیح و محکوم نکرده و محکوم نمی کنند و این همه اعمال حیوانی را غیرانسانی - غیراسلامی - غیرقانونی - غیرعادلانه نمی خوانند؟

آیا این چنین برخورد و اخلاق و قضاوت و داشتن استاندارد دوگانه (Double standard) برای یک انسان واقعی و ملی، یک انسان آراسته و پاکیزه و تحصیل کرده و منطقی و مسؤول در برابر انسان و انسانیت و خدا و پیامبر (اشاره به کسانی که خود را مسلمان می خوانند) شایسته و مناسب است؟

تمام بحث موجود در این مقاله پیرامون همین یک سؤال می چرخد؛ و الا من هیچ گاه، من حیث یک اصل حامی و بانی اعدام نیستم!!

علاوه بر این، من شخصاً به این باور هستم، که رئیس جمهور، اشرف غنی احمدزی، همان گونه که تا کنون به هیچ یک از وعده هایش صادق نبوده است، این وعده اش را نیز جدی نمی گیرد؛ پس هموطنان هواخواه یا پیرو طالب و داعش و ترور و تروریسم نباید قبل از اعدام این یازده تن که فکر نمی کنم عملی شود، دست به پاره کردن کفن شان بزنند! درد خود را به قراری بخورند؛ زیرا گذشته از این که هنوز کرزی زنده است، احمدزی نیز شهادت لازم را ندارد، که انتقام مردم را از تروریستانی که اغلب از قوم و تبار خودش و مورد حمایت کرزی هستند، بگیرند!!

آسوده بخواب ای هموطن طالب صفت و سیاست زده و خویشان بین؛ تا حامد کرزی و غنی احمدزی و سائر "زی" هائی همسنگر و همفکر این دو، و همفکر و همسنگر تو، که بقای خود را در وضعیت آشفته افغانستان می بینند، زنده و بر سر قدرت هستند، تار موی طالبان - تروریستان، چون به قبیله و قوم و تبار خود این ها مربوط اند، از سر شان کم نمی شود؛ حتا اگر خدای قادر و توانا هم بخواهد! عدالت هنوز در سرزمین من و تو از مادر زاده نشده است!!

۲۰۱۷/۰۶/۰۸